

راه پیش رو

حجت الاسلام سلمان رضوانی

در اندیشهٔ دستیابی به رسانمای متناسب با دین، باید پویش علمی خود را از مقام مبانی مباحث فلسفه آغاز کنیم. چرا که پیش از پرداختن به هر مطلبی، پرسش‌های بنیادینی وجود دارند که یافتن پاسخی برای آنها راه را برای ما روشن می‌کند. این که دنبال چه چیزی هستیم و آن چیز چه هویتی دارد؟

بر این اساس اگر بخواهیم برای پژوهش‌های رسانمای اولیاتی در نظر بگیریم، ناگزیر از صدر نشانیدن پژوهش‌هایی این چنین هستیم. پژوهش‌هایی که آنها را بنیادین می‌خوانند. قطعاً این نوع پژوهش‌ها در مبحث رسانه سر از هنر نیز درمی‌آورند چرا که رسانه بی‌ارتباط با هنر نیست و همین امر، پژوهش‌گر این عرصه را وامی‌دارد آن‌سان که در عالم رسانهٔ دینی پژوهش می‌کند به هنر دینی و مبانی آن نیز توجه نماید. در این صورت، مباحث بنیادین رسانه حوزهٔ گسترده‌ای را در بر خواهند گرفت.

با روشن شدن باید و نبایدهای رسانمای و باز تعریف رسانمای هم‌چون تلویزیون در جامعهٔ دینی، می‌توان به بحث‌هایی پرداخت که تلاش دارند نحوهٔ پرداختن به آن مبانی در قالب صورت و تصویر را آشکار سازند. پژوهش‌هایی که بدان‌ها پژوهش کاربردی نیز می‌گویند.

ابتر و ناتمام ماندن بسیاری از پژوهش‌ها و یا پویش‌های کاربردی در جامعهٔ ما از آن روست که مبانی تام و تمامی ندارند و در واقع به دلیل شروع نکردن از بحث‌های فلسفی در حوزهٔ رسانه به سرانجام خوبی نمی‌رسند؛ چون دارای صدر و ذیل نامعلومی می‌باشند و پژوهش‌گر در این صورت هم‌چون رهیمایی می‌ماند که بدون چراغ، قدم در راه می‌گذارد. شاید قدم از قدم بردارد، شاید مسیری را با ذکاوت خویش و با تکیه بر همت عالی و بلند خود طی کند ولی

همیشه ترس از افتادن در ورطه‌ها با اوست.

برای روشن شدن بحث به عنوان نمونه به موضوع فیلم‌نامه که در سریال‌های رسانه اساس کار است اشاره می‌شود. اکنون بی‌کم و کاست نویسندگان در فیلم‌نامه فیلم‌ها و سریال‌ها بر اساس قالب‌ها و وضعیت‌های نمایشی که قالباً در کتب غربی تعریف شده‌اند و هم اکنون در کلاس‌های فیلم‌نامه نیز تدریس می‌شوند، قلم می‌زنند. پرسش این است که آیا نمی‌توان به قالب‌های اندیشید که در آن، فیلم‌نامه‌نویس مجبور نباشد برای رسیدن به زیبایی بصری و بدست آوردن دل مخاطب و جذب او، به مفاهیم عاشقانه و مثلث‌ها و مربع‌های عشقی، سبکس و خشونت‌متوسل گردد. آن‌گاه دیگر لازم نیست به طور مکرر و در هر داستانی حتی آن‌جا که به بزرگی از تبار تاریخ شیعه می‌پردازد، یادی از داستان‌های یوسف و زلیخایی نماید بی‌آن‌که منطوق داستان بیسند و حال و روز جامعه ما نیز اجازه دهد.

قطعاً رسیدن به الگوهای نمایش متناسب با فرهنگ بومی که رنگ و بوی اسلامی داشته باشند با کار نظری و پشتوانه فکری پژوهشگران این حوزه تحقق پیدا می‌کند. اگر فلسفه پدر همه علوم است، شاید به این دلیل باشد که فلسفه راهی را برای محقق آن علم باز می‌کند که او در آینده کمتر راه به خطا رود و مانند بنایی که بر روی پایه‌های محکم و استوار ساخته شده است، استقامت نظری در آن علم را تضمین می‌نماید.

گرچه کار در حوزه فلسفه هر علم طاقت‌فرساست ولی پژوهش‌گر حوزه نظری و فلسفی هنر و رسانه با تحمل سنگینی بار درگیری‌های نظری و عملی، تبیین‌کننده راه است برای برنامه‌سازان و ارتباط‌گران حوزه رسانه و هنرمندان عرصه هنر تا ایشان بی‌رهتا نمانند و راه به خطا نروند.

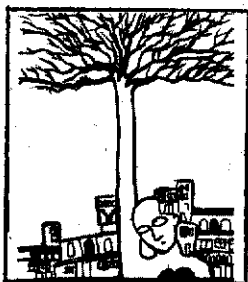
پژوهش‌های بنیادین برای رسانه آن هم با رویکرد دینی‌ای که در جامعه ما وجود دارد، یک اصل است. شاید هنوز آن‌چنان که باید چه در مراکز رسانه‌ای ما و چه در مراکز دینی ما به این پژوهش‌ها، توجه کافی نشده است. هم‌چنان که پس از گذشت سی سال از رشد و شکوفایی جمهوری اسلامی هنوز مبنای محکمی برای تعریف رسانه دینی وجود ندارد. ولی خوشبختانه



در سال‌های اخیر در بین پژوهشگران حوزه رسانه و دین، فعالیت‌هایی به چشم می‌خورند که نوید بخش نتایج خوبی است. در هر صورت جاهایی که می‌بایست به این دغدغه مهم پژوهشی اهمیت دهند مراکز پژوهشی‌ای می‌باشند که می‌توانند و باید پیگیر این خواست مهم فکری رسانه باشند.

گرچه در مقام عمل، ارتباط‌گران حوزه رسانه تلویزیون در مواردی سعی نموده‌اند خود را به رویکردهای دینی نزدیک کنند و در میدان تجربه نگاه جدیدی را به مسائل مورد علاقه خود داشته باشند ولی از آن‌جا که بسیاری از این تجربه‌ها فاقد مبنای نظری با توجه به رویکرد دینی بوده، به نتیجه مطلوب نرسیده است که موارد آن را می‌توان در موسیقی، پرداخت مضامین دینی و... از طریق تلویزیون جستجو نمود.

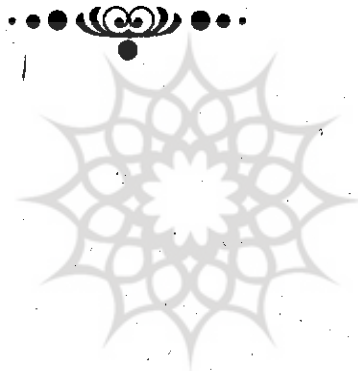
البته در یک نگاه منصفانه تلاش دست‌اندرکاران رسانه ملی قابل ستایش است و قطعاً در طی این سال‌ها قدم‌های مفیدی برداشته شده است. ولی نظریه این‌که دنیای امروز، عرصه نبرد رسانهای است و در این نبرد که آن را جنگ گرم نرم نیز می‌خوانند ما در برابر رقبای صف آرائی کرده‌ایم که از نظر قوای علمی و تکنیک رسانهای برتری دارند، نیاز به مجهز شدن هر چه بیشتر به سلاح علم و فناوری رسانهای و تجدید قوای متناسب با این نبرد داریم و در جدی‌ترین مرحله باید از مباحث بنیادین و پایهای، حرکت رو به جلو را آغاز نمود تا در تحولی اساسی، نظام رسانهای را بر مبنای دینی خود استوار سازیم در غیر این صورت و تا زمانی که این تحول اساسی در تفکر و اندیشه پژوهش‌گران و اندیشمندان حوزه رسانه و هنر صورت نپذیرد و با همان مبنای غربی که عمدتاً رویکرد غیر دینی دارند به طرح مضامین دینی پرداخته شود قطعاً راه به بی‌راهه منحرف خواهد شد و مسلمان هنرمند اگرچه حرفی اسلامی و دینی می‌زند ولی به دلیل وجود مبنای غربی مایه این حرف غربی خواهد بود و بسان مسلمانان می‌ماند که اسلامی حرف می‌زند ولی غربی می‌اندیشد؛ درحالی‌که اگر محقق و پژوهشگر این حوزه‌ها از تفکر و خلاقیات خود که مبتنی بر عطیهای الهی که همان عقل است بهره ببرد و از طرفی به متون دینی که متصل به خزانه غیب الهی است اتکا کند، به نتایجی خواهد رسید که



قطعاً با خیر مانوس خواهند بود و بسیاری از مشکلات فرا روی طرح مضامین دینی در رسانه و هنر را حل خواهند نمود.

به امید آن روز که همه پژوهشگران و اندیشمندان در هر حوزه به‌ویژه حوزه هنر و رسانه دینی بیندیشند و دینی صرف بزنند.

در پناه حق



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی